

بررسی تطبیقی وضعیت حقوق بشر در ایران و عربستان

عباسعلی طالبی^۱حبيب اله ابوالحسن شیرازی^۲

چکیده

نقض فراگیر حقوق بشر در سراسر جهان توسط دولت های مختلف، یکی از موضوعات مهمی است که مایه نگرانی جامعه جهانی شده است. از آنجا که اعلامیه حقوق بشر در احترام به کرامت انسانی و رعایت حقوق شهروندی الگو قرار می گیرد، لذا این نوشتار وضعیت حقوق بشر و تاثیر آن را در دو کشور عربستان و ایران کانون پژوهش قرار داده و به دنبال واکاوی این سوال است که وضعیت حقوق بشر در این دو کشور اسلامی چگونه تشریح می گردد؟ در پاسخ به پرسش مذکور این فرضیه مطرح می شود که به نظر می رسد رابطه حقوق بشر با حاکمیت دولت ها (ایران و عربستان) در چند دهه گذشته به مرور قانونمندتر شده و مجموعه ای از تعهدات بین المللی و مکانیسم های نظارتی در عرصه حقوق بشر، مفهوم حاکمیت را به سوی تعریفی جدید تر و منعطف تر سوق داده است. نتایج پژوهش نشان می دهد هر دو کشور در عمل نسبت به گذشته رفتاری منعطف تر و مطابق با هنجارهای بین المللی از خود بروز داده اند. این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی انجام شده بیان می کند که عربستان برای حفظ حاکمیت خود ناگزیرترن به اقتضانات حقوق بشری مانند اصلاح حقوق زنان و حقوق اقلیت ها داده و با طیف متنوعی از بازیگران بین المللی همکاری می کند و ایران در زمینه اجرای موازین دموکراسی و حقوق بشر، برتری آشکار و کارنامه قابل دفاع و مقبول تری نسبت به عربستان دارد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، عربستان، ایران، قانون اساسی، اقلیت ها و زنان

۱. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد سوادکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، سوادکوه، ایران (نویسنده مسئول)
taebi@iausk.ac.ir

۲. دانشیار روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

موضوع حقوق بشر و چگونگی میزان پابندی دولت‌ها به ویژه دولت‌های تاثیرگذار به اصول و قواعد حقوق بشر گرایانه در چارچوب سیاست داخلی و خارجی، از مهم‌ترین مقوله‌هایی است که در طول چند دهه گذشته در کانون توجه مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای قرار گرفته است. ایران و عربستان به عنوان دو قدرت منطقه‌ای حداقل در سطح مواضع اعلامی خویش نسبت به مضامین حقوق بشر گرای حساسیت خاصی را ابراز داشته و بر این مبنا، دامنه و عمق روابط با دیگران خاصه در حوزه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را در همین چارچوب به پیش برده‌اند. آثار و تبعات حقوق بشر از جمله موضوعات مهم و قابل توجهی است که طی سالیان گذشته جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در صحنه روابط بین‌الملل با آن مواجه بوده‌اند. بایسته‌های آن برای دو کشور ظرفیت پروژه‌ای ملی را داراست که هم از بنیان حقوقی برخوردار است و هم متضمن دستاوردهای سیاست‌گذاری امنیتی می‌باشد. سوال پیش رو بدین قرار است که اولاً موضوع حقوق بشر بر چه مواردی تاکید می‌ورزد و ثانیاً ملاحظات راهبردی این موضوع برای دو کشور که به تحدید حاکمیت آنها منجر شده کدامند؟ توجه فزاینده و حساسیت مجامع بین‌المللی به این موضوع و آسیب‌پذیری دو کشور، آنرا به یک دغدغه ملی و گاهاً جهانی تبدیل کرده است. چنانکه می‌توان آنرا به عنوان مولفه تاثیرگذار در روابط دو کشور با جامعه جهانی به ویژه نهادها و کارگزاری‌های غیردولتی حقوق بشر تلقی کرد. علیرغم اینکه حقوق بشر با تمام ابعاد انسانی، اجتماعی، فرهنگی و اجرایی آن در کانون توجه اندیشمندان و ارباب سیاست خارجی و دست‌اندرکاران مدیریتی و قضایی دو کشور قرار دارد و علیرغم صبغه تمدنی کهن دو کشور همواره شاهد صدور قطعنامه‌هایی با لحن‌های متفاوت مبنی بر نقض حقوق بشر علیه ایران (سیاست تقابلی) و ابراز نگرانی برای عربستان از سوی مجامع بین‌المللی می‌باشیم. یکی از مشخصه‌های بارز نظام حقوق بین‌الملل به ویژه حقوق بشر این است که در طول قرن بیستم، تعاریف، مفاهیم و واژه‌ها در این حوزه به شکل بی‌سابقه و به طور فزاینده، گسترده‌تر و دقیق‌تر شده و این جریان همچنان در حال طی شدن است. تعاریف جامعه بین‌المللی از حقوق و آزادی‌های فرد، تعاریف مربوط به نقش حقوق بشر و نیز اهرم‌ها و ابزارهای بازدارنده آن و شاخصه‌های لازم برای تامین امنیت فرد و گروه‌ها در نظام‌های ملی و آمرانه تر شدن آن باعث شده بسیاری از اقداماتی که در قرون قبل و حتی اواخر قرن بیستم در زمره حقوق بشر

نبوده، اکنون براساس مفاهیم پذیرفته شده نقض صریح حقوق بشر تلقی شده و تحت عنوان ناقض حقوق بشر مورد اعتراض افکار عمومی قرار گرفته و یا به طرح و تصویب قطعنامه و یا ابراز نگرانی علیه کشورها از جمله ایران و عربستان شده است. این تحدید غالباً به عنوان رفتار خصمانه و سیاسی از طرف دو کشور مورد انتقاد قرار گرفته است. آنچه در این پهنه کمتر مورد دقت و اهتمام جدی قرار گرفته وجود رویکردهایی از جهت تحدید هایی که مکانیسم ها و سازوکارهای نظارتی حقوق بشر به ویژه شورای حقوق بشر بر حاکمیت کشورها در جهت عدم همکاری تحمیل نموده است که بعضی از دولت ها به تاسی از این امر اقدام به تغییر رفتار، پذیرش معیارهای جدید و یا اصلاح قوانین مطابق با هنجارهای بین المللی نموده، فرصت های زیادی را در جهت حفظ منافع ملی و هماهنگی با دولت های همسودر مجامع بین المللی بدست آوردند. در این شرایط جدید حمایت و رعایت حقوق بشر به وجه غالب و تاثیرگذار بر همه گرایش ها و روندهای عمومی در همه واحدهای انسانی در سراسر جهان تبدیل شده است. نحوه روبرو شدن با این پدیده نوظهور، پرسشی است که در برابر دولت ها قرار گرفته است به گونه ای که مفهوم سنتی حاکمیت را دگرگون و دولت ها را ملزم به حمایت همه جانبه از حقوق بشر و حمایت از حقوق حقه انسان ها کرده است. با عنایت به تغییرات عظیمی که در نظم و نظام بین المللی ایجاد شده، محذورات ناشی از نظام بین المللی جهانی شده برای همه ی کشور ها از جمله ایران و عربستان نیز این سوال مطرح شده است: که با توجه به واقعیت ها و روند های جاری در ایران و عربستان حقوق بشر در عمل چه محدودیت هایی را بر دو کشور ایجاد می کند؟ ایران و عربستان در جهت کاهش فشارها چه اقداماتی را انجام داده اند؟ در این پژوهش سعی شده ضمن پاسخگویی به سوال فوق به تطبیق وضعیت حقوق بشر در دو کشور و اقدامات و اصلاحات صورت گرفته وانعطاف پذیری و تغییر رفتارهای دو کشور پردازیم. روش پژوهش مورد نظر بر اساس ماهیت و روش در زمره ی تحقیقات توصیفی- تحلیلی می باشد. همچنین این پژوهش با بهره گیری از روش کتابخانه ای از کتب، مقالات و فصلنامه های تخصصی در رابطه با موضوع قابل پژوهش در جهت تبیین چگونگی وضعیت موجود بین ایران و عربستان بهره می جوید. این تحقیق نسبت به تحقیقات پیشین اقدامات اصلاحی صورت گرفته در دو کشور را مورد بررسی تطبیقی قرار داده است.

۱. پیشینه تحقیق

الواصلیل در مقاله ای تحت عنوان ((تعامل عربستان سعودی با سیستم حقوق بشر سازمان ملل متحد))، از نگاه همگرایی به وضعیت تعاملات آل سعود با شورای حقوق بشر پرداخته و به این نتیجه رسیده که بعد از شکل گیری شورای حقوق بشر، عربستان سعی کرده خود را با استاندارد های بین المللی حقوق بشر نزدیک و پایبندی به تعهدات را در دستور کار خود قرار دهد (-AL-wasil, 2015). الهارگان در مقاله ای با عنوان «حقوق مدنی و بازیگران محلی»، به ارزیابی تاثیر نظام حقوق بشر سازمان ملل متحد و بازیگران غیر دولتی بر دولت عربستان سعودی پرداخته است. یافته های این پژوهش نشان می دهد فشارهای نهاد های حقوق بشر منجر به انعطاف پذیری دولت نسبت به تصمیمات شورا و همکاری با رژیم های نظارتی حقوق بشر شده است (Alhargan, 2015). حنان آل احمد در مقاله ای با عنوان «چالش های پیش روی رهبران زن در عربستان سعودی» به رشد مشارکت زنان در مناصب ارشد دولتی و فرایند تصمیم گیری اشاره کرده است. وی سه عامل یعنی چالش های ساختاری، عدم توانمند سازی و کمبود منابع را موانع جنبش زنان می داند، وی برخلاف تصورهای رایج، چالش های فرهنگی و شخصیتی زنان را رتبه آخر می داند (آل احمد: ۲۰۱۵، ۲۹). حبیب الله ابولحسنی شیرازی و عباسعلی طالبی در مقاله ای تحت عنوان ((سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا و تاثیر آن بر مناسبات اقتصادی با ایران و عربستان)) با استفاده از روش تحلیلی - تطبیقی به طرح این سوال پرداختند که استانداردها و هنجارهای حقوق بشری تعریف شده از سوی اتحادیه اروپا چه تأثیری بر تعیین روابط با ایران و عربستان داشته است؟ نویسندگان به این نتیجه رسیدند که ادعای نقض هنجارهای حقوق بشری تعریف شده از سوی اتحادیه اروپا توسط ایران موجب کاهش روابط اقتصادی، سیاسی و قطع روابط نظامی شده، حال آنکه نقض فاحش همان هنجارها توسط آل سعود به دلیل پایبندی به منافع حاصل از همکاری اقتصادی و ملاحظات سیاسی نه تنها تاثیر زیادی بر کاهش سطح روابط سیاسی و اقتصادی نداشته بلکه در اولویت برنامه های مسئولان اتحادیه در برخورد با این کشور قرار نگرفته است (ابولحسنی شیرازی و طالبی، ۱۳۹۹: ۴۵). گزارش تحقیقی عفو بین الملل در ۲۲ مارس ۲۰۱۵ با عنوان «تاثیر شورای حقوق بشر بر عربستان» به پیشرفت های جزئی در عربستان اشاره کرده است. تهیه کنندگان این گزارش ضمن انتقاد از بی توجهی آل سعود به نقض حقوق بشر آنرا سیاستی پرهزینه ارزیابی نموده

اند. همین امر باعث خواهد شد که شورا با مکانیسم های نظارتی رصد های جدی تری برای برخورد با این رژیم در دستور کار قرار دهد (Amnesty international, 2015).

۲. مبانی نظری

توجه به مکاتب روابط بین الملل، به ویژه نظریه سازه انگاری در مطالعه حقوق بشر، از آن رو مهم است، که این نظریه، رهیافتی انسان محور دارد (جکسون، ۱۳۸۵: ۱۸۱). سازه انگاران کانون بحث خود را در روابط بین الملل به انگاره های معانی، قواعد، رویه ها و هنجارها معطوف کرده اند (مشیر زاده، ۱۳۹۱: ۳۲۳). به نظر آنها این نظام های معنایی هستند که تعریف می کنند که کنشگران چگونه باید محیط خود را تفسیر کنند (Delaney, 2000: 144). سازه انگاران، جهان و از جمله جامعه بین المللی را یک پروژه «برساختن بی پایان» می دانند که برساختن آن بر زمینه ای از ادراکات و تلقی های زمینه مند فراهم می آید (Adler, 1997: 319). مکتب سازه انگاری، نقش مستقل هنجارها و انگاره ها را در سامانه بین المللی و پیامدهای سیاسی و داخلی روشن می کند. آنها توجه خود را از این که دولت ها منافع خود را دنبال می کنند و تغییر می دهند و همین منافع را در نخستین جایگاه و موقعیت در چارچوب هنجارها و انگاره ها تعریف می کنند، مشخص می سازند. این هنجارها و انگاره ها، تاثیر تنظیمی پیرامون ساخت هویت کنشگران را باز تعریف می کنند. هویت حقوق بشری، امروز مرزهای خودی و غیر خودی را در لیبرالیسم ترسیم کرده است. همچنین هنجارهای حقوق بشری به ما کمک می کنند که گروه بندی دولت را بشناسیم. امروزه شاهد برساخته شدن کلوب لیبرال در ورای هنجارهای حقوق بشر بین الملل هستیم؛ به این معنا که در این میان، اتحادیه اروپا، معیاری برای کلوب لیبرال است و هر کشوری که خواهان پیوستن به این کلوب باشد، ناچار به پیروی از هنجاری حقوق بشر بین الملل است. سازه انگاران از یک طرف تاکید خویش را روی روابط بین الاذهانی حقوق بشر قرار می دهند که در سطحی گسترده میان مردمان کشورهای توسعه یافته مشترکند و برای نمونه، هویت های ملی را به صورت ساخت بندی های اجتماعی در نظر می گیرند و از سوی دیگر بر این باورند که منافع و هویت، به صورتی که آنان خویشتن را در یک روابط با دیگران درک می کنند، از طریق همان اعتقادات مشترک شکل می گیرند و تبیین می شوند. از نظر سازه انگاران مهم ترین عامل و متغیر مستقلی که رفتار حقوق بشری کشورها را تعیین می کند، انتظارات ارزشی بینذهنی در باره رفتار مناسب، یعنی هنجارهای فراملی و ملی است که کشورها با آن مواجه هستند. هنجارهای فراملی، تبیین کننده و عامل رفتارهای

یکسان یک کشور و همچنین تمایز و تفاوت رفتاری آن در سطوح بین المللی است. سازه انگاری در مطالعه حقوق بشر به دنبال این مساله است که چطور ارزش های حقوق بشری بر ساخته می شود و ضمن نظریه پردازی کردن آن، به نوعی تحلیل بیناذهنی از مفاهیم حقوق بشری دست می یابد.

۳. حقوق بشر

حقوق بشر، به مجموعه ای از موازین و اصولی که انسان به صرف انسان بودن محق به دارا بودن آن است (مصفا و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۶۰) تعریف می شود. این موازین به طور گسترده به عنوان هنجارهای بین المللی بر مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق جهانی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بعد ها اعلامیه جهانی حقوق بشر وین در سال (۱۹۹۳)، از حیثیت و کرامت انسانی نشات می گیرد. یکی از مهمترین سوالاتی که همواره در باب اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح بوده و همچنان نیز در کشورهای اسلامی و بعضاً در بعضی از کشورها همچنان به قوت خود باقی مانده آن است که آیا قوانین و هنجارهای حقوق بشر امری فراگیر است یا اینکه کشورها و ملل مختلف به تناسب شرایط و ویژگی هایشان می توانند حد و حدودی برای آن نهاده و حتی مواردی از آن را گزینش و اختیار نمایند؟ در این مورد هر چند جواب هایی بسیار متکثر ارائه گردیده است (نصیری حامد و مکارم، ۱۳۹۲: ۱۴۵). پاسخ به این سوال پیامدها، عواقب و بازتاب اجتماعی و سیاسی مهمی برای مردم و حکومت ها به دنبال دارد. مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین المللی این حقوق ویژگی هایی چون جهان شمولی، به هم پیوستگی، عدم تبعیض و درهم تنیده گی را دارا است (بزرگمهری و کیارستمی، ۱۳۹۶: ۱۳۵). از این رو تمامی افراد در هر جایی که زیست می کنند، نباید از حقوق بشر محروم شوند. این تضمین های اخلاقی در بستر تکاملی خود جنبه های حقوقی و الزام آور داشته و تبدیل به قواعد آمره شده اند. قبول پیش فرض جهان شمولی حقوق بشر، در عمل باعث تغییر مفهوم حاکمیت منبعث از نظام وستفالی شد. به طوری که نه تنها ماهیت اقتضانات و الزامات تغییر کرده بلکه روند تکاملی حقوق بشر در قرن بیستم و پذیرش اصل مسئولیت پذیری دولت ها در عرصه بین المللی اصل حاکمیت دولت ها را با چالش جدی مواجه کرده است. جک دانلی معتقد است: حق حاکمیت یک پوسته سخت یا یک حصار نفوذ ناپذیر در مرزهای یک قلمرو نیست. حق حاکمیت تضمینی برای کارایی یک دولت بی قید و بند (مطلقه)

نمی باشد، حق حاکمیت یک امر اجتماعی پیچیده است که مانند همه پدیده های اجتماعی هم با ثبات است و هم در طول زمان تدریجی تغییر می کند. (Donnelly 2004). در همین راستا ایران و عربستان با توجه به قرائت های دینی از حقوق بشر متهم به نقض یا عدم پیوستن به میثاق های بین المللی شده اند. با توجه به وابستگی دولت ها به تعهدات بین المللی، جامعه جهانی از طریق رژیم های تجاری و اقتصادی، از قبیل قطع همکاری و یا تحریم ها؛ ایران و عربستان را در عرصه روابط بین الملل جهت پیگیری آزادانه منافع خود (به ویژه ایران را) با محدودیت های جدی مواجه کرده است. از این رو هر گونه اقدام دو دولت در سیاست خارجی و یا حضور در مجامع بین المللی با محدودیت های عملی مواجه شده است. حتی فراتر از آن، دو کشور را در مرزهای قانونی خود با حصرهایی چون الزام به تصویب و تطبیق قوانین داخلی، رعایت هنجارهای بین المللی در برخورد با شهروندان و رعایت حقوق اقلیت ها و حقوق زنان مواجه کرده است.

۴. جایگاه حقوق بشر در ایران

وضعیت ایران نسبت به حقوق بشر را می توان به دو دوره تاریخی کاملاً متفاوت تقسیم کرد. دوره اول که از ایران به عنوان یک دولت متعهد به حقوق بشر یاد می شود. در این دوران شاهد حضور ایران در تدوین منشور حقوق بشر و سپس پیوستن و الحاق به اسناد بین المللی و عضویت در کارگزاری های بین المللی مربوط به حقوق بشر بوده ایم. ایران در سال ۱۹۴۸ جزو امضاء کنندگان حقوق بشر بوده و در سال ۱۹۶۸ اولین کنفرانس بین المللی حقوق بشر را در تهران به منظور بررسی پیشرفت های حاصله طی بیست سال گذشته و تنظیم برنامه ای برای آینده درباره ترویج و حمایت از حقوق بشر برگزار کرد. در برهه ای که بسیاری از کشورها درگیر جنگ های استقلال طلبانه و مناقشات داخلی بودند، تهران پایه گزار نسل سوم حقوق بشر بود. این حقوق بعد ها به حق توسعه، حق تعیین سرنوشت، حق صلح و محیط زیست نام گذاری شد. در آن زمان رژیم سعی کرد به اسناد بین المللی در زمینه حق حیات، منع بردگی، حقوق کار و منع تبعیض بپیوندد. در سال ۱۳۵۵ دو میثاق بین المللی را بدون قید و شرط در مجلسین تصویب کرد و رسماً به آن الحاق شد تا از این طریق مشروعیتی برای خود مهیا و خود را حامی حقوق بشر نشان دهد. رژیم با تقدم تحول اقتصادی نسبت به تحول سیاسی ماهیت خود را نسبت به

حقوق بشر نشان داد و با انجام اصلاحات و اجرای برنامه های توسعه ای و تصویب یکسری قوانین جدید گام های روبنایی در راه توسعه حقوق بشر در کشور برداشت. دموکراسی اقتصادی نیز کلید واژه تبلیغات و موضع گیری رژیم در برابر حقوق بشر بود. سران رژیم بارها این موضوع را مورد تاکید قرار می دادند که در ایران برقراری رونق اقتصادی باید مقدم بر دموکراسی سیاسی باشد (میرترابی، ۱۳۷۹: ۷۰). ایران از جمله کشور هایی بود که تحقق حداقل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را لازمه و پیش شرط ضروری تحقق حقوق سیاسی و مدنی می دانست. در این راستا در درون کشور موسساتی را برای کمک به افراد ایجاد کرد و یکی از افتخارات رژیم پیشنهاد تاسیس یک صندوق ویژه برای کمک به کشور های در حال توسعه بود.

دوره دوم بعد از شکل گیری انقلاب شکوهمند اسلامی در سال ۱۳۵۷ مطرح می گردد. از ابتدای انقلاب اسلامی بر این مبنا که تمامی تعهدات رژیم پیشین به دولت فعلی منتقل شده موضوع حقوق بشر در کانون توجه دولتمردان و تدوین کنندگان قانون اساسی قرار گرفته و فصلی از آن به این حقوق اختصاص داده شد. سیر تحول حقوق بشر تاکنون در ایران نشان می دهد که به طور نسبی سیر و محتوای یکسانی در اصول داشته، اما در روش ها تغییرات و تحولات زیادی را بر اثر تجارب جامعه بشری و اقتضانات و حساسیت های جهانی طی کرده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای پاسداشت از حقوق بشر و حقوق شهروندی اصول مختلفی آمده که متضمن حقوق و آزادی های مشروع ملت شده است. برای مثال در اصل ۲۲ قانون اساسی آمده که حیثیت، جان، مال، حقوق، شغل و مسکن جز در موارد خاص از تعرض مصون است یا در اصل ۲۳ آمده که تفتیش عقاید ممنوع بوده و نمی توان کسی را به صرف داشتن عقیده ای مورد مواخذه قرار داد. اما شرایط دوران بعد از انقلاب مانند شکل گیری سریع گروه ها و تشکل های سیاسی که برای انقلابیون قابل هضم نبود، جنگ تحمیلی عراق و ایران و طولانی شدن آن برای هشت سال اجازه بستر سازی برای ترویج و تحقق حقوق بشر و حقوق شهروندی را در ایران نداد. گروهی از روحانیون بر اساس نوع تفسیر خود اظهار می دارند که قانون اساسی ایران از نوع حکومت اسلامی بوده و فقط می باید احکام اسلامی در آن جاری گردد و ولی فقیه که منصوب خداوند است می باید احکام و دستورات خداوند را به اجرا گذارد. در مقابل گروه دیگر معتقدند که مردم باید از حق مشارکت در تصویب قوانین کشور که مخالف شرع نباشد، برخوردار باشند و این می تواند جامعه مدنی را در ایران به طور صحیح شکل دهد. در بین این دو،

گروه دوم توانست موفقیت های زیادی کسب نماید و لایحه حقوق شهروندی را با ۱۲۰ ماده در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس برساند. در مقدمه این لایحه آمده که حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و این خداوند است که انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است (منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳). در منشور حقوق شهروندی ایران به حق حیات، سلامت، کیفیت زندگی، کرامت و برابری انسانی، آزادی و امنیت شهروندی، مشارکت در تعیین سرنوشت، آزادی اندیشه و بیان، تشکل، تجمع و راهپیمایی، تشکیل خانواده، برخورداری از دادخواهی عادلانه، اقتصاد شفاف و رقابتی، مسکن و مالکیت، اشتغال و کار شایسته، رفاه و تامین اجتماعی، آموزش و پرورش، محیط زیست سالم، توسعه پایدار و اقتدار ملی اشاره شده و کسی نمی تواند این حقوق یا بخشی از آن را از ملت ایران سلب کند مگر به حکم قانون. حکم قانون بدین معنی است که آنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی در مورد حقوق بشر و شهروندی آمده ریشه در آموزه های قرآنی دارد و تمامی حقوق ذکر شده نمی بایستی با شرع اسلام در تضاد باشد. این حقوق توسط دولت های مختلف در نظام جمهوری اسلامی و اخیراً از طرف دولت یازدهم از طریق پیامک و رسانه ها به اطلاع مردم رسید. نکته مهم در این ارتباط این است که حقوق بشر اسلامی و حقوق شهروندی تنها با پیامک کردن و چند بار ذکر آن در رسانه نمی تواند بستر سازی درستی برای آشنایی شهروندان به حقوق شان باشد و جنبه عملی بخود گیرد. آموزش مردم به حقوق اساسی که همانا حقوق بشر و حقوق شهروندی است، نیاز به یک برنامه ریزی صحیح و طولانی مدت دارد. در بند دو ماده ۲۶ اعلامیه ی جهانی حقوق بشر آمده است که: «هدف آموزش و پرورش باید شکوفایی همه جانبه ی شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی های اساسی باشد». در کشورهای توسعه یافته آموزش حقوق بشر و شهروندی از دوران ابتدایی نظام آموزشی شروع و تا پایان دوره دانشگاهی ادامه می یابد. اهمیت آموزش حقوق بشر آنقدر زیاد است که کنفرانس وین آموزش، پرورش و اشاعه اطلاعات عمومی راجع به حقوق بشر را اساساً به منظور ارتقاء و نیل به روابط با ثبات و همگون بین جوامع مورد ملاحظه قرار داد. جمهوری اسلامی چه به عنوان یک کشور و چه از دیدگاه یک نظام سیاسی نوپا، پس از انقلاب اسلامی برخی از تعهدات بین المللی در زمینه حقوق بشر را به ارث برده و تا کنون سعی در انجام تعهدات و همکاری با نهادهای مربوطه و رعایت هنجارهای آن داشته است و در پرتو واقعیت های موجود، به هیچ یک از راه هایی که برای عدم پذیرش یک تعهد بین

المللی در حکومت سابق وجود داشت (فلسفی، ۱۳۷۹)، متوسل نشده و عملاً خود را مقید به آن معرفی کرد و برای گزارش دهی ادواری به نهادهای نظارتی هریک از اسناد مزبور فعالانه اقدام کرد. دولت موقت در اولین اقدام خود در احترام به همکاری های بین المللی، تضمین امنیت و تعمیق روابط خود با سایر کشورها به قطع روابط با رژیم آپارتاید پابندی خویش را از حقوق بشر در برابر کشورهای افریقایی، اروپایی و عرب منطقه نشان داد و از این رو با استقبال گرم آنها روبرو شد و کمیسیون حقوق بشر با طرح قطعنامه ای از ایران تشکر کرد. اولین نکته اساسی این است که مدخل جمهوری اسلامی به حقوق بشر کاملاً مثبت است. یعنی کرامت جهانی انسان، مدخل ورودی ما به حقوق بشر است (لاریجانی، ۱۳۸۹: ۲۰). استراتژی ایران فعال بودن در این زمینه بود. گرچه متن آن را تمام شده و نهایی نمی داند، اما باید در این متون مشارکت داشته باشد. این دیدگاه به دلایلی چون روند انقلابی در داخل، اختلافات مبنایی با برخی مفاد منشور، شکل گیری معیارهای جدید در سیاست خارجه و تبلیغات سوء کشورهای غربی بر اثر تحولات سیاسی و به بهانه نقض حقوق بشر رفته رفته و به تدریج آثار مثبت و سازنده خود را از دست داد و دولت های غربی در واکنش به آنچه را که به عنوان نقض حقوق بشر در ایران می نامیدند تلاش گسترده ای برای تضعیف اعتبار ایران به عمل آوردند. کشورهای اروپایی با برخورد گزینشی و حساسیت به دولت نوپا فعالیت گسترده علیه ایران را آغاز کردند و موضوع حقوق بشر در ایران را در دستور کار کمیسیون حقوق بشر قرار دادند و نخستین قطعنامه در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران را در سال ۱۹۸۲ به تصویب رساندند و از این سال به بعد تقریباً هر سال بر اساس گزارش نماینده ویژه که عموماً جنبه منفی آن غلبه داشت و نیز گزارشهای دیگر، قطعنامه هایی علیه ایران در خصوص تداوم نقض گسترده حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب می رسید. پس از آن بدنبال تحولات سیاسی داخلی ایران و اعلام سیاست تنش زدایی در روابط خارجی و دکترین گفتگوی تمدن ها و برقراری قانون و اجرای اصول قانون اساسی به ویژه اصول مربوط به حقوق و آزادی های عمومی، روابط ایران و سازمان ملل متحد به نحوه گسترده ای افزایش و بهبود یافت و در سال ۲۰۰۲ برای اولین بار کمیسیون حقوق بشر ایران را متهم به نقض حقوق بشر نکرد و ایران پس از هیجده سال از نظارت ویژه کمیسیون خارج شد. دلیل این امر را باید در کارکرد مثبت مجموعه حاکمیتی در رابطه با رعایت مقررات منطبق با انتظارات کمیسیون حقوق بشر یاد کرد. این دولت با تقویت سیاست اعتماد سازی، اتخاذ

سیاست های همکاری جویانه و اهتمام به نقش سازمان های غیر دولتی توانسته بود تهدید ها را به فرصت تبدیل نموده و بنای همکاری با این نهاد ها را در دستور کار قرار دهد. اما تلقی محدود و سنتی دولت بعد، از حقوق بشر و اعتقاد به اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت ها مجدداً زمینه ساز مشکلات بعدی را در ارتباط ایران و جامعه بین المللی به خصوص با شورای حقوق بشر ایجاد کرد که منجر به واگرایی سیاسی شد. رای ممتنع ایران به شورای حقوق بشر در برابر ۱۷۰ رای مثبت ابهامات زیادی را ایجاد و کشورهای عضو را با یک سوال جدی مواجه کرد که آیا ایران در حال حاضر در چارچوب همین اختلافات با شورا همکاری خواهد کرد؟

در این دوره باز تعریف جدیدی از غرب ارائه شد. جمع بندی از عملکرد غرب با ایران بر سر حقوق بشر آن شد که کشورهای غربی بیش از آنکه در فکر حل مسئله حقوق بشر یا در پی تنش زدایی و هم زیستی باشند در صدد تسلیم ایران بر آمدند. این نتیجه گیری باعث شد که ایران سیاست تقابلی در برابر غرب در پیش بگیرد. (سنایی، ۱۵۸: ۱۳۹۳).. از طرف دیگر، این مواجهه جویی موجب شد تا آمریکا، حمایت اروپا و بعضی از کشورها را در پرونده حقوق بشر ایران بدست آورد و در کنار تحریم های متعدد قطعنامه های مختلف علیه کشور را به تصویب برساند. با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید مناسبات ایران با غرب وارد فاز جدیدی شد. برنامه های ارائه شده این دولت در عرصه سیاست خارجی و حقوق بشر مورد استقبال کشور ها و مجامع بین المللی قرار گرفت و دولت کوشید تا برای پیگیری منافع متصور سیاسی، راهبردی و اقتصادی، رهیافت آشتی جویانه و سازنده تر نسبت به سیاست گذاری و رابطه سازی داخل و خارج در سطح بین المللی ارائه کند. این تصمیم به نوعی اعتباردهی به تمایل عمومی برای تغییر و پایان دادن به سیاست تقابلی گذشته بود که به نظر می رسید نوید بخش گشایش فصل تازه و امیدوار کننده در روابط بین الملل ایران باشد. سازمان عفو بین الملل در گزارشی پیگیری های حقوق شهروندی توسط رئیس جمهور را امیدوار کننده توصیف کرد. دبیر ستاد حقوق بشر از پیشنهاد غرب برای گفتگوهای حقوق بشری با ایران خبر داد (روزنامه فرهیختگان ۱۶/۵/۱۳۹۵).

در همین راستا قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران برای مذاکرات دوجانبه با اتحادیه اروپایی اعلام آمادگی کرد. در سال ۲۰۱۸ جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل در ایران با تهیه گزارشی اتهامات جدیدی علیه ایران مطرح کرد و سهم نسبتاً عمده ای را به چالش های ناشی از نظام حقوقی ایران اختصاص داد (فضائلی و احسن نژاد، ۱۳۹۸: ۶۲۱).

۵. جایگاه حقوق بشر در عربستان

حکومت عربستان سعودی معاهده حقوق بشر سازمان ملل را خلاف اسلام می‌داند. بنابراین تاکنون حاضر به امضای آن نشده است و خود را ملزم به رعایت مفاد آن نمی‌داند. در واقع عربستان سعودی قانون اساسی مدرن و نظام پارلمانی ندارد و همه اعضای مجلس مشورتی آن توسط پادشاه منصوب می‌شوند و هنوز بسیاری از امور، توسط فرمان پادشاهی اداره می‌شود. اقدامات این حکومت در فرآیند پذیرش اصول حقوق بشر جهانی از ۱۹۴۶ شروع و تا ۱۹۹۰ میلادی ادامه داشت. نخست، این کشور رویکردی را که بر سیاست حقوق بشری عربستان مسلط بود، نمی‌پذیرفت. در واقع حقوق بشر را بر اساس قانون‌های داخلی و حداقلی جست و جو می‌کرد و برای حقوق مطرح شده در کنوانسیون‌های قراردادی و قواعد عرفی بین‌المللی، اعتباری قائل نبود و به ابراز نگرانی کشورها در مجامع بین‌المللی بی‌توجه بود. از نظر این حکومت حقوق بشر باید با استناد به ارزش‌ها و اندیشه‌های داخلی تفسیر و تعریف شود. رویکرد دوم از ۱۹۹۰ میلادی به بعد شروع شد که عربستان از مقاومت اولیه عقب‌نشینی کرد و به تدریج شروع به ملحق شدن به کنوانسیون‌های حقوق بشری کرد. مهم‌ترین اسناد حقوق بشر که تاکنون عربستان بدان ملحق شده و آن را مصوب کرده است عبارتند از کنوانسیون منع هرگونه شکنجه در ۲۳ اکتبر ۱۹۹۳ میلادی، کنوانسیون حقوق کودک در ۱۹۹۵ میلادی، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نژادی در ۲۱ اکتبر ۱۹۹۷ میلادی، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در سپتامبر ۲۰۰۰ میلادی و... بنابراین عربستان در دوره ملک عبدالله با درک منافع مثبت ناشی از همکاری فراملی و افزایش هزینه دور ماندن از گردونه همکاری‌ها و ائتلاف‌ها ناگزیر شد با نهادهای حقوق بشری همکاری کند. چگونگی فعالیت پادشاهی عربستان در خصوص نظام حقوق بشر دارای دو نوع رویکرد قابل رویت است. رویکرد اول: شامل مجموعه اقدامات دولت عربستان در فرآیند پذیرش اصول حقوق بشر جهانی که از سال ۱۹۴۶ شروع و تا سال ۱۹۹۰ ادامه می‌یابد. عربستان در میان کشورهای اسلامی در عرصه بین‌المللی، بخصوص در روند تصویب اعلامیه حقوق بشر در کمیته سوم مجمع عمومی و نیز در جلسات مجمع بیش‌ترین مباحث و انتقادات را مطرح می‌نمود. در نهایت نماینده عربستان (جمیل بارودی) ناخرسندی خود را از اعلامیه و فردگرایی غربی آن اعلام کرد (جاوید، مکرمی، ۱۳۹۰: ۶۹). عدم تغییر محتوای موارد مورد اختلاف باعث شد که عربستان همراه با هفت کشور دیگر به اعلامیه رای‌ممتنع دهد.

رویکرد دوم: از دهه ۱۹۹۰ به بعد که عربستان از مقاومت اولیه عقب نشینی کرده و به تدریج وارد مرحله جدیدی از همکاری و اعتماد سازی شد و به کنوانسیون های حقوق بشری ملحق گردید. تغییر رویکرد عربستان موضوعی است که مورد سوال همه است. آیا این تغییر ناشی از ضرورت های زمانمند در جامعه سعودی است یا برخاسته از مدیریت هدفمندی است که سعی دارد بوسیله آن موج های اعتراضی درون و برون جامعه را مهار نماید. آل سعود همواره در تلاش بوده تا ضمن همگامی و همراهی با دگرگونی های محیط پیرامون پادشاهی و تحولات بین المللی اثرگذار بر جامعه سعودی، فاصله خود را با این جامعه سنتی تقلیل دهد. آنها با عمل بر اساس واقعیت های جامعه سعودی، همواره در تلاش بوده اند جایگاه خود را بین شعارها و مطالبات تحول خواهانه حفظ کنند (Elmadani, 2004:96). دولت سعودی نشان داده است که ضمن تعامل با دستگاه نیرومند مذهبی کشور، همواره از علمای وهابی برای جهت دادن به حرکت جامعه سعودی در راستای مشروعیت نظام حاکم و نزدیک ماندن به جامعه، برنامه های خود را با رضایت ضمنی و یا سکوت قهری دستگاه وهابی به پیش ببرد. این امر نشان از پوست اندازی آل سعود در درون جامعه بسته خود است. در زمینه سیاست داخلی ملک عبدالله از آغاز سال ۱۹۹۰ سه اصلاح کلی و روبنایی را انجام داده است. ایجاد مجلس، ایجاد گفت و گوی ملی و ساماندهی انتخابات شهرداری ها. مجلس شورا اغلب به عنوان گردهمایی مشورتی برای موضوعات حساس و سرانجام انتخاب شهرداری به عنوان تجربه جدید ظاهر میشود که به شهروندان سعودی اجازه می دهد تا در روند تصمیم سازی و اداره امور محلی مشارکت داشته باشند (کپسزوسکی، ۲۲۱، ۱۳۸۹). ملک عبدالله در زمینه سیاست داخلی گفتگوهای ملی برای اصلاحات را ضروری دانست و لزوم لغو تبعیض علیه برخی مذاهب و گروهها از جمله شیعیان و احزاب صوفیه، اجازه توزیع عادلانه و آزادانه کتاب های ویژه این مذاهب، حفظ آثار و ابنیه و جلوگیری از تخریب آنها، ضرورت قانونمند کردن جامعه و توجه به حقوق اساسی انسان ها را توصیه کرد. در چارچوب این توصیه ها، امیر عبدالله برخی آزادی های اساسی به اقلیت های دینی را معجز شمرده، همچنین تند روها را از امامت مساجد برکنار و توجه به مناطق شیعه نشین را در دستور کار قرار داد (اسدی، ۱۳۹۱:۲۱۲).

در زمینه سیاست خارجی نیز پیوستن به اسناد حقوق بشری را در دستور کار قرار داد. عملکرد عربستان در الحاق به مهمترین اسناد حقوق بشر را می توان به کنوانسیون منع هرگونه شکنجه در

۲۳ اکتبر ۱۹۹۳، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نژادی در ۲۳ اکتبر ۱۹۹۷، کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۹۶، کنوانسیون جلوگیری از کشتار دسته جمعی، کنوانسیون حقوق افراد اشاره کرد. . بطور کلی از جمله اقدامات مهم دولت عربستان در حوزه داخلی در راستای انطباق با شرایط خاص حقوق بشر عبارتند تاسیس سازمان مستقل حقوق بشری در ماه مه ۲۰۰۳، تاسیس انجمن روزنامه نگاران در ۲۴ فوریه ۲۰۰۳، تصویب تغییراتی در نظامنامه مجلس شورا در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۳ مبنی بر افزایش اختیارات مجلس و اینکه مجلس می تواند طرح ها را بدون تصویب مقدم از جانب شاه مورد بحث قرار دهد، همچنین می توان به تصویب متن منشور اصلاح مقام و منزلت عرب در ژانویه ۲۰۰۲ اشاره نمود. اقدامات اصلاحی ملک عبدالله از جمله تاسیس نخستین دانشگاه مختلط در شهر ثول طائف در سال ۲۰۰۹، افتتاح رستوران مختلط در عربستان، علیرغم نارضایتی دستگاه مذهبی (وهابی) با استقبال مردم روبرو شد. این اصلاحات نشان دهنده آن است که آل سعود همواره برای تحکیم جایگاه خود در جامعه سعودی و برغم مشکلات فراوان خواهان انطباق با شرایط نوین بین المللی است (AL-Rasheed, 2011: 23). با مرگ ملک عبدالله در ابتدای ۲۰۱۵ میلادی و پادشاهی ملک سلمان، بسیاری از تحلیلگران و ناظران تحولات این کشور، از پایان دوره ده ساله اصلاحات کند و کم رمق و حاکمیت مجدد دیدگاه سنتی در راس هرم قدرت در ریاض سخن گفتند (روزنامه اطلاعات ۲۴ دی ۹۶). اما در سال ۲۰۱۷ تحولاتی چشم گیر در صحنه داخلی عربستان بوقوع پیوست که بدیع بودن این تحولات و تبلیغات فراوان و حمایت غریب به خصوص شورای حقوق بشر بر چشمگیری آن افزود. ملک سلمان برای حفظ امنیت و ثبات سیاسی و اجتماعی، تحولات حقوق بشری را در مرکز توجه قرار داد. تصمیمات پی در پی در زمینه حقوق زنان، کودکان، اقلیت ها و برداشتن تنگناهای مدنی و حتی مراقبت های پزشکی و ده ها مورد دیگر، گشایش جدیدی به روی جامعه عربستان بود.

۶. مقایسه تطبیقی حقوق بشری در ایران و عربستان سعودی

۶-۱ وضعیت زنان ایران

یکی از مباحث کلیدی و مورد اجماع جامعه جهانی، شناسایی وضعیت حقوقی زنان، چگونگی رعایت آن در درون مرزهای ملی و سرانجام توانمند سازی آنان در زندگی جمعی بشر است. مساله برابری حقوق زن و مرد و کاهش تبعیض جنسیتی یکی از موضوعاتی است که در سالهای

اخیر توجه نهاد های بین المللی، رسانه های جمعی و حتی نشست های منطقه ای را به خود جلب کرده و باعث شده تا گزارش های زیادی با لحن های متفاوت از وضعیت حقوق زنان در ایران منتشر گردد. با وجود ظرفیت و توان بالای ایران در حل این موضوع، حساسیت جامعه بین المللی آنرا از آسیب پذیری قابل توجهی برخوردار کرده است. این واقعیت باعث بروز نگرانی های متعددی میان دولت مردان ایران بوده است. در سال های اخیر که فشارهای زیادی در حفظ و رعایت حقوق زنان وارد گردیده، نگرانی ها محسوس تر به نظر می رسد.

امروزه پیوستن ایران به کنوانسیون حقوق زنان به یکی از درخواست های جامعه بین المللی تبدیل شده به گونه ای که از آن به عنوان یک ابزار علیه ما استفاده می شود. بحث پیرامون کنوانسیون رفع تبعیض از زنان مستلزم آن است که مواضع دولت ایران را در برخورد با آن دسته از اسناد حقوق بشر که رفع تبعیض از زن را در مرکز توجه جهانی قرار داده است، مشخص نماییم. حقوق اساسی از دیر باز یکی از منابع مهم نظم حقوق در ایران بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی به طور رسمی حقوق اساسی را به صحنه زندگی آورد و سایر نهاد های حقوقی را در خدمت این آرمان قرار داد (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۱۱). نهاد قانون گذاری در ایران از دو رکن جداگانه و متمایز مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تشکیل شده است. بدون همکاری این دو طرح ها و لوائح شکل قانونی و لازم الاجرا پیدا نمی کند (کار، ۱۳۷۸: ۴۲). براساس اصل ۷۷ قانون اساسی عهد نامه ها و مقاوله نامه ها و موافقت نامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. همچنین در اصل ۷۲ قانون اساسی آمده است که مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل ۹۶ آمده، به عهده شورای نگهبان است (کار، ۱۳۷۸: ۳۶). اما پذیرش کنوانسیون رفع تبعیض بدلیل به اجماع نرسیدن در داخل از سال ۱۳۸۰ تا کنون مسکوت مانده و هنوز بحث های زیادی بین موافقان الحاق و مخالفان آن در جریان است. موافقان به آثار مثبت ناشی از الحاق مانند منافع ملی، حضور در مجامع بین المللی، هماهنگی با دولت های همسو و مخالفان به اختلافات مبنایی بر سر مفاد آن و تعهدات الزام آور آن اشاره دارند.

نگاهی کوتاه به مواد مختلف کنوانسیون نشان می دهد که تعارض کنوانسیون با مبانی اسلام ناشی از روح حاکم بر آن است و التزام عملی به کنوانسیون و اجرای کامل آن، موجب نفی

بسیاری از احکام اسلامی و آموزه های دینی خواهد بود و نمی توان با حق شرط، این تعارضات گسترده را برطرف ساخت (حق شناس، ۱۳۸۰: ۳۵). اما فارغ از هرگونه سوء گیری های شورای حقوق بشر، حساسیت و آسیب پذیری کشور ما وضعیت حقوق زنان در ایران اگرچه در حد ایده آل نیست و مطالبات خفته زیادی را نشان می دهد ولی در مسیر تکاملی خویش شرایط مطلوب تری دنبال می کند. در آمار رسمی کشور نزدیک به نیمی از جمعیت ۸۰ میلیونی جامعه ایران را زنان تشکیل می دهند. بر اساس گزارش توسعه انسانی برنامه عمران سازمان ملل متحد، ۶۰ درصد ورودی دانشگاهها زنان بوده اند، تعداد سمن ها (NGO) زنان به ۳۰۰ سازمان افزایش یافته است و از ۲۵۰۰ سازمان غیر دولتی در ایران تنها ۱۲ درصد به صورت جنسیتی اداره می شوند. اگر چه در سال ۱۳۵۵ نرخ رشد باسوادی در میان زنان تنها ۳۶ درصد بوده در سال ۱۳۷۵ این نسبت به ۷۲ درصد افزایش پیدا کرده و اخیر از ۸۴ درصد هم فراتر رفته است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر بند ۱۴ اصل سوم، اصل ۲۱ نیز دولت را موظف نموده است تا حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و زمینه های مساعد را برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او، حمایت از مادران و ایجاد دادگاه صالحه خانواده را انجام دهد (عبادی، ۱۳۷۳: ۱۱۹). جمهوری اسلامی ایران برای ارتقای وضعیت شغلی زنان و تضمین دسترسی به فرصت ها جهت حضور در عرصه های تصمیم گیری اقدامات فراوان و روبه بهبودی را انجام داده است.

- انتصاب زنان به عنوان معاونین و مشاوران رئیس جمهور در حوزه های امور زنان، امور حقوقی، امور علمی و فناوری؛ انتصاب زنان به عنوان بخش دار، شهردار و معاون فرماندار، انتصاب زنان به عنوان معاونان و مشاوران وزراء، مدیرکل ادارات امور بانوان در استانداری ها در حوزه های ستادی و وزارتخانه ها و استانداری ها.

- انتصاب زنان به عنوان نماینده در مجلس شورای اسلامی

- انتصاب زنان به عنوان عضو شورای فرهنگی-اجتماعی زنان.

- انتصاب زنان به عنوان مستشار قضایی و قاضی

نگاهی به نتایج طرح آمارگیری نیروی کار تعداد ۶۰۳۶۵ نفر از قانون گذاران و مقامات عالی رتبه را زنان تشکیل می دهند.

تعداد ۹۸۰ نفر از زنان در پست امور زنان وزارتخانه ها و ارگان های دولتی مشغول

به کارند (گزارش راهبردها، سیاست ها، برنامه ها و دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱: ۳۳۳). در حال حاضر وضعیت زنان روند روبه بهبودی را نشان می دهد. در کابینه (دولت دهم و یازدهم) شاهد ارتقای وضعیت حضور زنان از نیم درصد به سی درصد می باشیم. معاون رئیس جمهور در این راستا از ابلاغ مصوبه حضور ۳۰ درصدی زنان در مناصب مدیریتی خبر داد (فرهیختگان: ۱۳۹۶، ۳). برای نخستین بار دوزن در تهران پست شهرداری را تصاحب کردند. محمد جواد ظریف از وجود ۳۵۰ تا چهار صد زن در وزارت امور خارجه و ارتقای شغلی آنها به مدارج بالاتر خبر داد. معاون منابع انسانی قوه قضاییه از ارتقاء شغلی زنان پس از کسب تجارب به سمت های دادیاری در دادسراها و محاکم خانواده خبر داد. (فرهیختگان، ۱۳۹۶: ۱۲). در حال حاضر حدود ۷۰۰ قاضی زن در دستگاه قضا فعالیت می کنند. قوه قضاییه با انجام اصلاحات قانونی بسترهای حمایت از حقوق زنان را در کسب و کار، اجتماع و خانواده فراهم کرده است. اصلاح ماده ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰ در مورد حضانت و نگهداری کودک، تصویب برابری دیه زن و مرد در قانون بیمه شخص ثالث در صحن علنی مجلس که شورای نگهبان آنرا تائید کرده است. لایحه تامین امنیت زنان و طرح آن در صحن علنی مجلس (باشگاه خبرنگاران جوان، ۲۳ آبان ۱۳۹۵ ماه)، طرح عدالت جنسیتی در برنامه توسعه ای، اهمیت یافتن نهاد مدنی و ویژه از جمله کانون وکلا و ایجاد معاونت حقوق بشر از جمله اقدامات این قوه محسوب می شود.

۲-۶. وضعیت زنان عربستان

وضعیت زنان در عربستان را می توان به دو دوره کاملاً متفاوت تقسیم کرد. دوره اول، دوره کمیسیون حقوق بشر است که دغدغه اصلی آن هنجار سازی، تمرکز یک جانبه بر تعداد اندکی از کشور های عضو، رعایت اصل عدم مداخله و قرائت سنتی و مطلقه از حاکمیت دولت هاست که عملاً حقوق دولت ها را بر حقوق فرد مقدم می شمرد. لذا دولت ها در برخورد با شهروندان مسوول الید بوده و حقوق بشر یک امر داخلی تلقی شده و در نتیجه پاسخگو به نهاد های بین المللی نبودند. با چنین قرائتی زنان به شدت از لحاظ قانونی در نظام پادشاهی عربستان با تبعیض دست و پنجه نرم می کردند. پیامد این تبعیضات قانونی در سراسر مراحل زندگی آنها مانند آموزش، وضعیت شغلی و خانواده بسیار محسوس بود. زنان ده درصد نیروی کار این کشور را تشکیل می دادند (پایین ترین میزان در جهان، بر اساس گزارش سالانه تبعیض

جنسیتی) بسیاری از آنان در شرایط شغلی با محدودیت های زیادی روبرو بودند. تمامی نهاد های دولتی و خصوصی (مدارس، دانشگاه ها و بیمارستانها) از لحاظ جنسیتی تفکیک می شدند. اجازه رانندگی، مسافرت بدون اذن ولی، معاینه توسط مردان و مشارکت در حوزه قضا و فعالیت های بیرون از خانه محروم بودند. آل سعود هرگونه فعالیت مدنی را ممنوع کرده و فعالان حقوق بشر اجازه فعالیت نداشتند. کمیته رفع تبعیض علیه زنان سازمان ملل متحد بارها گزارشی هایی را منتشر کرد و در این گزارش ها از دولت عربستان خواسته تا هرچه سریع تر به مساله قیومیت مردان در این کشور خاتمه دهد.

دور دوم، موج تحولات از سوی شورای حقوق بشر (از سال ۲۰۰۶) که منجر به دگرگونی و تغییرات جدی در نحوه اجرای حقوق بشر در درون مرزهای ملی بود، شروع می شود. سازوکارهای نظارتی و مکانیسم های اجرایی شورای حقوق بشر از یک طرف، افزایش شدید هزینه های دولت در قبال عدم رعایت هنجارهای بین المللی علانم هشدار دهنده ای بودند که سران عربستان را به بازبینی حقوق زنان در سیستم سیاسی کشورشان واداشته است.

مشارکت سیاسی: نقطه عطف مشارکت زنان در جامعه عربستان با اقدامات ملک عبدالله در موافقت با دریافت کارت هویت عکس دار توسط زنان در سال ۲۰۰۱ آغاز و سپس با تصویب حضور زنان در انتخابات شورای شهر در سال ۲۰۰۵ و سرانجام حق نامزدی و رای دادن آنها در انتخابات شوراهای محلی به نقطه اوج خود رسید. انتخابات شهرداری ها به عنوان تجربه جدیدی بود که به زنان برای نخستین بار اجازه ورود در روند تصمیم سازی و اداره امور محلی داده شد. در فوریه ۲۰۰۶، یک زن به عنوان معاون وزیر و در ژوئن ۲۰۰۶، شش زن به عنوان اعضای شورای مجلس منصوب شدند. در سال ۲۰۱۰ تعداد زنان در مجلس مشورتی افزایش یافت. در حال حاضر ۳۰ کرسی از ۱۵۰ کرسی مجلس شورای عربستان را زنان تشکیل می دهند. اگر چه نرخ مشارکت زنان در سطوح سیاسی، بسیار محدود است ولی گشایش های تدریجی در افزایش حضور زنان در عرصه های سیاسی و انتصاب آنها در انجام مسئولیت های دولتی بسیار حائز اهمیت می باشد. در سال ۲۰۱۷ وزارت خارجه عربستان فاطمه سالم باعشن را به عنوان سخنگوی عربستان در واشنگتن منصوب کرد. (Nuruzaman, 2019: 13)

مشارکت اقتصادی: نگاهی به آمار ارائه شده نشان می دهد که دولت با اتکا به گفتمان خاص خود در مورد اشتغال زنان تلاش کرده تا زمینه مشارکت اقتصادی زنان را در بخش خصوصی فراهم آورد. ملک

سلمان با پذیرش سند ۲۰۳۰ به عنوان اسناد بالادستی قوانین و برنامه های خاصی برای ترغیب بخش خصوصی در جذب زنان در بازار کار ایجاد کرد. دولت به منظور تقویت بخش خصوصی اقداماتی چون پرداخت تسهیلات بانکی، حمایت از شرکت های کوچک و متوسط، و اعطای مجوز های کسب و کار به زنان، عملاً بخش خصوصی عربستان را وارد مرحله جدیدی از تاریخ خود کرده است. این برنامه ها با قدرت گیری محمد بن سلمان تشدید شد. به شکلی که زنان برای نخستین بار به تنهایی مجوز اقتصادی برای ایجاد کارهای تولیدی در یافت کرده اند. بررسی سند طرح تحول ملی عربستان نشان می دهد که تصمیم گیران این کشور معتقد به امکان بهره گیری از ظرفیت ۵۰ درصدی زنان در امر تولید و اشتغال هستند که این امر از یک طرف باعث کاهش وابستگی به درآمد های نفتی در آینده و از طرف دیگر کاهش هزینه و تنش های فزاینده برای ثبات حکومت خواهد شد. به باور محمد بن سلمان سیاست های خصمانه نسبت به حقوق زنان نه تنها به کاهش مطالبات زنان و حل مشکلات داخلی و خارجی کمکی نکرد، بلکه ادامه این سیاست ها خود عاملی برای باز تولید مطالبات زنان در آینده خواهد شد.

حق آموزش: مهم ترین موارد حقوق بشر زنان در کشور عربستان که از دیدگاه گزارشگر ویژه ارتقاء و بهبود نسبی پیداکرده، حق آموزش زنان است. از زمان مجاز شدن آموزش و پرورش در مدارس برای دختران، نرخ بیسوادی زنان کاهش یافته و تا سال ۲۰۱۹، بالغ بر ۶/۶ درصد از دختران بالای ۱۵ سال دارای سواد شده اند. اکنون بنا به گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد، زنان و دختران از حق آموزش و پرورش به طور کامل برخوردارند و هیچ مانعی در زمینه استیفای حق آموزش و پرورش آنان در مقطع دبستان و راهنمایی وجود ندارد. (A/HRC/11/6Add.3, para.15). در سال ۲۰۱۴ دولت در برنامه اصلاحی در جهت تنوع بخشی به آموزش و جلوگیری از مهاجرت خانواده ها برای تحصیلات فرزندان، کمک ۸۰ میلیارد ریالی به بخش آموزش و پرورش اختصاص داد. (Reuters 2014) و کمیته ای را برای تطبیق قوانین حاکم بر آموزش و پرورش با کنوانسیونهای فرهنگی تشکیل داد. ایجاد مقاطع تحصیلات تکمیلی و لغو کلیه محدودیت های مدارس و کالج های ویژه دخترانه در شهرهای ریاض، جده، مکه و مدینه مورد استقبال شهروندان قرارگرفت و دانشکده هایی در شهر مدینه ایجاد شد که دختران و پسران در رشته هایی چون ریاضیات، پزشکی و علوم انسانی تحصیل می کنند. دانشگاه ام القرا در مکه به زنان اجاز داد که در تمام رشته های تحصیلی به تحصیل بپردازند (شکوه، ۱۳۹۱: ۲۸۲). در سال ۲۰۱۶ زنان ۴۹ درصد از کل ثبت نام های دوره کارشناسی را به خود اختصاص داده اند.

قوانین تصویب شده در حمایت از زنان در دوره ملک عبدالله

توضیح	سال	قانون
ارائه گزارش به شورای حقوق بشر	۲۰۰۶	پیوستن کامل به کنوانسیون حقوق زنان
عضویت زنان در شهرها به این انجمن	۲۰۰۶	تاسیس انجمن حقوق بشر زنان
زنان دارای کارت شناسایی شدند	۲۰۰۶	صدور کارت شناسایی برای زنان
نوری فایزه معاون وزیر آموزش و پرورش شد	۲۰۱۰	مشارکت زنان در مدیریت
اعطای کمک های پزشکی و خدمات پناهندگی	۲۰۱۳	منع خشونت علیه زنان
لیوان الزهران مجوز قضاوت دریافت کرد	۲۰۱۴	اجازه حق وکالت و قضاوت به زنان

قوانین تصویب شده در حمایت از حقوق زنان در دوره ملک سلمان

۲۰۱۷	انتخاب اولین زن در مقام رئیس بورس	۱
۲۰۱۷	اجازه رانندگی بدون نیاز به اجازه یا حضور قیم	۲
۲۰۱۸	ورود به ورزشگاه و کنسرت	۳
۲۰۱۸	اجازه دریافت مجوز کسب و کار	۴
۲۰۱۸	ارتقای شغلی (وکالت)	۵
۲۰۱۸	صدور فتوا	۶
۲۰۱۸	استخدام در ارتش	۷

شکندجه فعالان زن: با روی کار آمدن محمد بن سلمان و اجازه به زنان عربستان برای رانندگی تصور می شد که فشار بر فعالان زن عربستانی کاهش یابد اما برخلاف این تصور، حکومت سعودی در مرحله بعدی برای جلوگیری از افزایش مطالبات زنان، اقدام به بازداشت شماری از مدافعان حقوق بشر کرد. کارشناسان، ساختار سازی دوباره دادستانی کل و دستگاه امنیت سعودی را در راستای افزایش سرکوبگری بن سلمان توصیف کردند. نهی البلوی دانشجوی اهل شهر تبوک عربستان از جمله زنانی بود که صرفاً به خاطر اظهار نظر درباره سیاست خارجی عربستان و حمایت از حقوق زنان در اینترنت در ژانویه سال ۲۰۱۸ میلادی دستگیر و مدتی را در زندان گذراند. او در توثیت های خود با زندانیان سیاسی ابراز همبستگی و از کمپین موفق حق رانندگی زنان و جنبش حقوق زنان و حقوق بشر حمایت کرده بود. مسئولان سعودی در

پانزدهم ماه مه سال ۲۰۱۸ نیز شماری از فعالان زن بارز از جمله لجین الهذلول، سمر بدوی، نسیمه الساده، نوف عبدالعزیز و میاء الزهرانی را بازداشت کردند. اما شاید پرونده لجین الهذلول بارزترین پرونده ای باشد که بازتاب گسترده ای در خارج از عربستان داشت و مشارکت مستقیم سعود القحطانی مشاور سابق دربار سعودی در شکنجه این مدافع حقوق زنان را برملا کرد. خواهر الهذلول فاش کرده بود که سعود القحطانی لجین را به تجاوز و سپس قتل و مثله کردن جسد او و انداختن آن در چاه فاضلاب تهدید کرده بود. القحطانی لجین را مورد دشنام بیایی قرار می داد و برای شکنجه، او را نیمه شب ها از خوابیدن محروم می کرد. همچنین برادر لجین الهذلول در برابر کنگره آمریکا درباره اتهامات وارده به مسئولان سعودی در خصوص «شکنجه و تعرض جنسی» به زنان بازداشت شده شهادت داد.

سرکوبگری رژیم سعودی علیه فعالان زن به جایی رسید که در ماه مارس سال ۲۰۱۹ میلادی دستکم ۳۶ کشور از جمله ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا از عربستان خواستند تا فعالان حقوق زنان در این کشور را آزاد کنند. این اولین بار از زمان تاسیس شورای حقوق بشر بود که عربستان اینگونه مورد انتقاد شدید قرار می گرفت. رئیس شورای حقوق بشر نیز در آن زمان به نوبه خود از عربستان خواست تا فعالان زن را هرچه زودتر آزاد کند. موج بازداشت قهری افراد، سرکوب فعالان سیاسی و حقوق بشری و مبلغان سرشناس سعودی و برخورد شدید با اقلیت های دینی نیز در سایه زمامداری بن سلمان ادامه یافت. دادستان کل سعودی خواهان اعدام شیخ سلمان العوده، علی العمری، حسن فرحان المالکی و شیخ عوض القرنی به اتهام درخواست برای تغییرات در عربستان و نظرات مخالف با دستگاه حاکمه شد. روند بازداشت قهری شهروندان عربستانی و اتباع خارجی نیز ادامه یافت و از جمله تعدادی از اتباع از زمان محاصره قطر در ژوئن سال ۲۰۱۷ میلادی بازداشت و به طور قهری ناپدید شدند.

عربستان در ماه مه سال ۲۰۱۸ میلادی نواف طلال الرشید از شهروندان قطری را بدون هرگونه تفهیم اتهامی بازداشت کرد. او به طور قهری ناپدید بود تا اینکه در آوریل سال جاری میلادی آزاد شد. در کنار این موارد نقض گسترده حقوق بشر نیز باید به وضعیت ناگوار کارگران و مهاجران خارجی اشاره کرد که تاکنون بارها گزارش هایی از بدرفتاری شدید با آنها و وضعیت اسف بار زندگی با حداقل دستمزد و برخوردار نبودن از حقوق اولیه انسانی منتشر شده است. اعمال محدودیت و ممنوعیت شدید علیه شاعر دینی شیعیان بویژه در منطقه شرقیه عربستان از جمله

مراسم ماه محرم و دیگر مناسبت های دینی آنها، یورش به خانه ها و بازداشت های خودسرانه در شهرهای شیعه نشین این منطقه و صدور احکام اعدام علیه آنها صرفاً به خاطر شرکت در تظاهرات مسالمت آمیز و درخواست برای کسب حقوق اولیه و مشروع خودشان از جمله موارد دیگر نقض حقوق بشر از سوی حکومت سعودی بوده است. در ادامه همین سیاست بود که رژیم سعودی در ماه مه سال ۲۰۱۹ میلادی، جنایتی گروهی علیه ۳۷ نفر مرتکب شد. گردن زدن این افراد با انتقاد بین المللی همراه بود. شش نفر از آنها زیر سن قانونی بودند و در بین آنها، ۳۳ نفر از اهالی قطیف و احساء بودند که اینگونه به شهادت رسیدند. اینها به علت بیان نقطه نظرات و شرکت در تظاهرات مسالمت آمیز منطقه قطیف در سال ۲۰۱۱ میلادی محکوم شدند.

۶-۳. اقلیت ها در ایران

در بررسی سیاست های موجود در باره حقوق اقلیت ها در ایران توجه به دو نکته حائز اهمیت است. اول ظرفیت های رفتاری: پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، تلاش نخبگان سیاسی و به ویژه بنیان گذار انقلاب اسلامی، مبنی بر رفع محرومیت از گروه های قومی و جایگزین کردن رویکرد های نوین اسلامی در مدیریت اقوام بود. همه اقلیت ها مطمئن باشند که اسلام با اقلیت ها همیشه بطور انسانی، به طور عدالت رفتار کرده است (صحیفه امام، ج ۶: ۱۹۲). همین رویکرد در سیره سیاسی و مدیریتی مقام معظم رهبری، نسبت به اقوام و مذاهب گوناگون در کشور مشهود است به نحوی که توسعه علمی و آموزشی، عدالت طلبی و رفع محرومیت ها و تبعیضات ناروا و رسیدگی به مسائل و مطالبات منطقی اقلیت های دینی، مذهبی و قومی مورد تاکید مکرر ایشان واقع شده است (ترابی، مجیدی، ۱۳۹۳: ۱۲).

دوم مبانی حقوقی شامل (قانون اساسی، قوانین عادی، آیین نامه ها و بخشنامه ها) که این بخش توسط مراکز اصلی و کانون های قدرت و حاکمیت اعمال می شود و جنبه پایدارتری دارد؛ قانون اساسی به مثابه حقوق اساسی شهروندان و پایه سیاست تنوعات قومی کشور ظرفیت بالایی در شناسایی و احترام به حقوق اقلیت ها را دارا می باشد. دقت در اصول قانون اساسی، حاکی از پیش بینی های منطقی و مبتنی بر انصاف و رعایت حقوق کامل شهروندان ایران فارغ از همه تعلقات و سایر تفاوت های اجتماعی است. در فصل سوم قانون اساسی اصولی در باره حقوق اقلیت ها مانند تساوی حقوق، مصونیت از تعرض، تشکیل انجمن ها و احزاب سیاسی، برخورداری از تامین اجتماعی و حضور اقلیت ها در مجلس مطرح شده

است. در مقدمه گزارش قطعنامه ۱۶۸/۶۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قانون اساسی سال ۱۹۷۹ ایران را مترقی، رو به جلو و سازگار با موضوعات روز خواند. قانون اساسی جمهوری اسلامی از ظرفیت های بسیار خوبی در مدیریت مبتنی بر عقلانیت و انصاف تنوعات قومی برخوردار است.

جدول ظرفیت های قانون اساسی و حقوق های مطرح شده در آن

ردیف	عنوان حقوق و آزادی های ناشی از تنوعات اجتماعی ماده ۲۰ اعلامیه اصل ۲۷ قانون اساسی
۱	تساوی شهروندان در برابر قانون و تامین امنیت قضایی عادلانه و نفی تبعیض های ناروا
۲	برادری اسلامی و تعاون عمومی در میان شهروندان
۳	به رسمیت شناختن حقوق و آزادی های اقلیت های دینی
۴	به رسمیت شناختن فرهنگ های محلی و زبان محلی
۵	نفی امتیازات نژادی و قومی
۶	آزادی افراد در داشتن عقاید و نفی تفتیش عقاید
۷	عدم منع به کارگیری در مناصب و مسئولیت های سیاسی و اجرایی

اما آن چه امروز در باب اقلیت ها در ایران از سوی جامعه بین المللی مطرح می شود فراتر از اقلیت های شناخته شده در قانون اساسی می باشد که به عنوان شهروند هویت و عقاید آنها به رسمیت شناخته شده و از سوی محافل بین المللی و کنوانسیون های حقوق بشر مورد حمایت قرار گرفته اند. البته هنوز اجماع و رویکرد جدی درباره اقلیت های غیر رسمی در جامعه صورت نگرفته و همین امر بهانه ای به دست داد که در نشست ۶۴ و ۶۸ مجمع عمومی از وضعیت این اقلیت ها ابراز نگرانی کنند. آن گونه که از دید کلی و غالب قانون اساسی استنباط می شود این است که باید از حقوق و آزادیهای اساسی انسانی برخوردار باشند و در اجرا و اعمال به حق مورد تبعیض واقع نگردند، اما در عمل در برخی قوانین عادی و مقررات و آیین نامه ها و رویه های اجرایی در زمینه اشتغال، استخدام، آموزش و حتی گاه مصونیت مشکلاتی وجود دارد که لازم است دستگاههای تصمیم گیرنده برای حل آنها چاره ای بیندیشند (مهرپور، ۱۳۷۸: ۱۸۹).

۴-۶. اقلیت ها در عربستان

اقلیت ها در نظام سیاسی و حقوقی عربستان، مفهومی نا آشنا و تهدید آفرین است. ساخت جامعه یک دست در عربستان از نژاد سامی، زبان عربی و دین اسلام، سپهری برای خود نمایی اقلیت های زبانی و دینی نگذاشته است. در این میان، جایگاه جغرافیایی عربستان به گونه ای است که اقلیت مذهبی به عنوان تهدید اصلی به شمار می رود و این اقلیت نیز شیعیان اند. شاید

نتوان گفت که شیعیان به عنوان گروهی از مسلمانان در مفهوم اقلیت بگنجد؛ ولی بخشی از مفهوم اقلیت، وامدار رویکرد سیاسی حاکمان است (عالی پور، یکرنگی، ۱۳۹۶: ۹۶). وضعیت اقلیت‌ها در قانون اساسی و جامعه عربستان در قیاس با جامعه جهانی و گزاره‌های حقوق بشری با محدودیت‌هایی ناشی از تعلق به دین، جنسیت و در برخی موارد تعلق به قومیت خاص برخوردار است. در قانون اساسی عربستان جایگاه حقوق و امتیازات شهروندان، تعیین حوزه عمومی و حوزه خصوصی و تنظیم روابط شهروندان با حکومت بدرستی تدوین نشده و از حقوق اقلیت‌های مذهبی و فرق اسلامی نامی برده نشده است. عدم شناسایی آنها در قانون اساسی و فقدان سازوکارهای قانونی آنها را به عنوان شهروند درجه دوم محسوب کرده، حقوق و آزادیهای اساسی آنها را نادیده می‌گیرند. علیرغم داشتن جمعیت ۳۰ درصدی اقلیت (۱۵ درصدی شیعیان، ۷ درصدی مهاجران و ۸ درصدی سایر ادیان) توجه جدی به آنها نمی‌شود. بر اساس گزارش‌های عفو بین الملل و دید بان حقوق بشر، اقلیت‌های ساکن در عربستان از بالاترین رتبه تبعیض، رفتارهای فرافقانونی، محاکمه ناعادلانه، سوء برخورد با آنها، محرومیت‌های اجتماعی، مدنی و سیاسی برخوردار بوده‌اند. تبعیض مذهبی و شغلی علیه شیعیان همواره مورد اعتراض نهادهای حقوق بشری بوده است. طبق گزارش کمیته دفاع از حقوق بشر در شبه جزیره عربستان بزرگترین تبعیض علیه اقلیت شیعه در عربستان صورت می‌گیرد. در سال‌های اخیر در کنار موج تحولات شاهد تغییر رفتار اندک دولت عربستان نسبت به اقلیت‌ها در جامعه عربستان بوده ایم. مضاوی الرشید در کتاب دین و سیاست در قرن بیست و یکم با تأکید بر عربستان، بر ابعاد جدید تعامل دولت با گروه‌های غیر سنی در جامعه سعودی و جلوگیری از تنش بین اقلیت‌ها عنوان کرد که بعد از تحولات نو ظهور دولت سعودی برای رفع این مشکل با هدف جذب و هضم شیعیان و اسماعیلی‌ها با آنها وارد تعامل شد. در همین راستا رسیدگی به امور اقلیت‌ها و در راس آن‌ها شیعیان و اسماعیلی‌ها را در دستور کار قرار داد. از آغاز دهه ۱۹۹۰ دیالوگی با شیعیان آغاز شد که سرانجام در سال ۱۹۹۳ به ثمر رسید. طی سه دوره گفت‌وگو فرمان عفو و بخشش برای اقلیت‌ها صادر شد (احمدیان، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

در سال ۲۰۰۸ ملک عبدالله کنفرانسی در مکه برگزار کرد که در آن بیش از چهارصد عالم دینی برای بررسی امکان و آینده گفتگوی ادیان با هم دیدار کردند. با مطرح شدن گفتگوهای ملی از سوی ملک عبدالله، شیخ حسن صفار، روحانی شیعه نیز در کنار سلفی‌های متعصب

در آن اجلاس شرکت کرد. گفتگوها میان شیعیان و سنیان منجر به رسمیت بخشیدن یکدیگر و راه را برای تقویت همگرایی باز کرد. علاوه بر این جعفر الشایب، از فعالان معروف شیعه در انتخابات سال ۲۰۰۵ به شورای شهر قطیف راه یافت. برای اولین بار فرد شیعی به عنوان سفیر عربستان در ایران انتخاب شد. ملک سلمان نیز با توجه به جامعه در حال تغییر عربستان کوشید از دریچه مذهب و ارایه تفاسیر جدید از آن و اقتباس از نظر روشنفکران در جامعه عربستان تعارض فکری خود را حل کند. نوسازی آموزشی اقدامی بود که دولت عربستان اثر فشار مطالبات اقلیت ها انجام داد و نخبگانی در جده و ریاض سرفصل های نظام آموزشی مطابق با ادیان مختلف را تدوین کردند. ضمن آنکه نظام تربیت معلم در دانشگاه ها نیز در حال دگرگونی است. این تغییرات فقط به مدارس و دانشگاه ختم نشده بلکه به مدارس و حوزه های دینی نیز کشیده شده است به طوری که تعدادی طلبه طی دوره های جدید آموزشی تحت آموزش قرار گرفته اند. این دوره ها از سوی وزارت اسلامی جهت توسعه مواد آموزشی جهت تضمین، مدارا و گفتگو با اقلیت ها برنامه ریزی شده است. آل سعود به دنبال حذف متون درسی که دشمنی و خصومت نسبت به مسلمانان را القاء می کند، می باشد و برای اولین بار بازننگری محتوایی دروس برابری آموزش با اقلیت ها در دوره ملک سلمان در دستور کار قرار گرفت.

۷. تعقیب و قتل مخالفان در خارج از عربستان

برخورد حکومت سعودی با مخالفان و تلاش برای حذف آنها در سایه زمامداری بن سلمان به داخل عربستان محدود نشد و او از طریق سعود القحطانی پروژه حذف فعالان مخالف در خارج از عربستان را در دستور کار قرار داد؛ پروژه ای که با قتل جمال خاشقچی در کنسولگری عربستان در شهر استانبول ترکیه به رسوایی بزرگی برای سعودیها منجر شد. دو سال پیش در دوم اکتبر سال ۲۰۱۸ میلادی بود که خبر ناپدید شدن جمال خاشقچی روزنامه نگار منتقد رژیم سعودی در کنسولگری عربستان در شهر استانبول ترکیه به تیر نخست خبرها تبدیل شد. با درز تدریجی تحقیقات ترکیه و ارایه شواهد و مدارک، دولت سعودی بعد از ۱۸ روز سکوت و تکذیب، بالاخره تحت فشارهای جامعه جهانی تایید کرد که خاشقچی در کنسولگری عربستان به قتل رسیده است. خاشقچی پیش از کشته شدن در سلسله مقالاتی در روزنامه واشنگتن پست آمریکا، از سیاست های عربستان در خصوص بحران قطر، قطع روابط با کانادا، جنگ علیه

یمن و برخورد مقامات سعودی با رسانه‌های و فعالان مدنی به ویژه مدافعان حقوق بشر انتقاد کرده بود. با جهانی تر شدن پرونده خاشقچی و اذعان عربستان به قتل وی در کنسولگری این کشور در استانبول، رژیم سعودی برای جمع کردن این رسوایی و نرسیدن سرنخ‌ها به مقامات ارشد خود بویژه محمد بن سلمان ولیعهد دست بکار شد. در همین راستا، طی سال‌های اخیر آمار درخواست پناهندگی سعودی‌ها افزایش داشته و بر اساس اعلام کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل متحد در اوایل سال ۲۰۱۸ میلادی، آمار رسمی درخواست پناهندگی شهروندان عربستانی به خاطر سرکوبگری و نبود آزادیها از ۲۰۰ نفر در سال ۲۰۱۲ میلادی به ۸۱۵ نفر در ۲۰۱۷ میلادی افزایش یافت.

۸. جنایت جنگی و ضد بشری عربستان در یمن

عربستان در قالب ائتلافی در ۲۶ ماه مارس سال ۲۰۱۵ میلادی تجاوزگری همه جانبه خود علیه یمن را آغاز کرد. این حمله با استفاده از مدرن‌ترین تسلیحات غربی علیه یکی از فقیرترین کشورهای جهان به راه افتاد که باعث شهادت هزاران غیرنظامی یمنی از جمله زنان و کودکان و سالخورده‌گان و زخمی شدن هزاران نفر دیگر و آوارگی میلیون‌ها نفر شد. محاصره همه جانبه یمن از سوی ائتلاف متجاوز به سرکردگی عربستان و انهدام ساختار زیربنایی بویژه مراکز پزشکی و تاسیسات آب و برق باعث شیوع بیماریهای واگیر دار در این کشور و قربانی شدن هزاران نفر بر اثر بیماری شد. حمله سعودیها به یمن و محاصره این کشور در سطحی بود که کارشناسان بین‌المللی آن را جنایت جنگی توصیف کردند و تصریح نمودند که ائتلاف سعودی، دولت فراری یمن و شورای انتقالی جنوب همه مرتکب جنایت جنگی و نقض حقوق بشر و قوانین بین‌المللی بشردوستانه شده‌اند. با وجود این جنایت‌ها، عربستان با نفوذ سیاسی و اهرم مالی توانست خود را از فهرست سیاه دولت‌های ناقض حقوق کودکان خارج کند که با انتقاد سازمان‌های حقوق بشری همراه بود. دیده‌بان حقوق بشر در بیانیه‌ای نسبت به گزارش سالیانه آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد درباره کشتار کودکان و خارج کردن نام ائتلاف متجاوز عربی به یمن از فهرست سیاه کشتار کودکان انتقاد کرد. طبق این بیانیه، گوترش در گزارش سالیانه خود اعلام کرد که ائتلاف تحت رهبری عربستان مسئول کشتار ۲۲۲ کودک یمنی طی سال ۲۰۱۹ میلادی است، اما نام آن را از فهرست سیاه کشتار کودکان خارج کرد.

۹. درخواست اخراج عربستان از شورای حقوق بشر

عضویت در شورای حقوق بشر و نقض همزمان حقوق بشر در داخل و خارج از عربستان و قتل مخالفان و خیم تر شدن این وضعیت و ارتکاب جنایت ضد بشری و جنگی در یمن در سالهای اخیر صدای کشورهای جهان و از جمله کشورهای عضو شورای حقوق بشر و نیز نهادهای حقوق بشری بین المللی و حقوقدانان و مخالفان رژیم سعودی را درآورد. آنها در مناسبت ها و بیانیه های مختلف بارها خواهان اخراج عربستان از شورای حقوق بشر و تمدید نشدن دوباره عضویت ریاض در این شورا و بازخواست ریاض شدند زیرا اعضای شورای حقوق بشر باید نسبت به ارتقاء و حمایت حقوق بشر متعهد باشند و مجمع عمومی سازمان ملل می تواند حقوق و امتیازات اعضای شورا در صورت اینکه حقوق بشر را به گونه ای منظم و فاحش نقض کنند، لغو کند. سازمان عفو بین الملل و سازمان دیده بان حقوق بشر اواخر ماه ژوئن سال ۲۰۱۶ میلادی خواهان اخراج عربستان از شورای حقوق بشر سازمان ملل شده و تاکید کردند که عربستان از این شورا برای مانع تراشی در مسیر اجرای عدالت در خصوص جنایت های جنگی احتمالی در یمن سوء استفاده می کند. قطر نیز از جمله کشورهایی بود که علی بن صمیخ المری رئیس کمیسیون ملی حقوق بشر آن، از شورای حقوق بشر سازمان ملل خواست تا عضویت عربستان در این شورا را به حالت تعلیق درآورد. هر چند فلسفه تشکیل شورای حقوق بشر درگیر کردن دولت ها با مقوله حقوق بشر و وارد کردن آنها به این شورا برای پاسخگوتر کردن و بهبود حقوق بشر بوده است اما این امر در خصوص عربستان صدق نمی کند زیرا با وجود عضویت، به نقض بیشتر حقوق بشر ادامه می دهد و از همین رو است که مورد انتقاد شدید نمایندگان کشورهای عضو شورای حقوق بشر از جمله فنلاند، فرانسه، دانمارک، سوئد، لوکزامبورگ، اتحادیه اروپا و نیز گزارشگر ویژه اعدام فراقانونی سازمان ملل و کمیسر حقوق بشر در ارتباط با نقض آزادیها، بازداشت فعالان زن، نقض حقوق فعالان مدنی و مدافعان حقوق بشر و قتل خاشقچی قرار گرفته است. با وجود اینکه انتخاب دوباره عربستان برای عضویت در شورای حقوق بشر به خاطر دوبار عضویت پیاپی از سال ۲۰۱۴ میلادی میسر نخواهد بود اما با این حال، نهادها و فعالان حقوق بشری امکان انتخاب عربستان در دوره های آینده را با توجه به پرونده ننگین حقوق بشری این کشور یک چالش بزرگ می دانند زیرا معیار عضویت بر « اهمیت توجه مجمع عمومی به میزان سهمین شدن کشورهای در ارتقای حقوق بشر

و پاسداری از آن و نیز اجرای تعهدات خودشان و تعهدات داوطلبانه آنها» تاکید می کند. به باور کارشناسان، عضویت کشوری نظیر عربستان در شورای حقوق بشر به جایگاه این سازمان در کوتاه مدت و بلندمدت آسیب جدی می زند و اعتبار و تاثیرگذاری آن را تضعیف می کند و به چنین کشوری اجازه نقض حقوق بشر، سرکوبگری و جنایت های بیشتری را می دهد لذا باید چنین روندی متوقف شده و نه تنها جلوی عضویت مجدد عربستان در شورای حقوق بشر در آینده گرفته شود بلکه این کشور مورد بازخواست جدی قرار بگیرد. به طور کلی، با توجه به اینکه این حکومت بعضی از کنوانسیون ها را امضا کرد اما حقوقی برای زنان و احزاب نداشت و تا مدتی قبل، زنان در عربستان سعودی حتی شناسنامه نداشتند و چیزی به عنوان انتخابات در این حکومت وجود ندارد. البته تهدید حقوق بشری برای آینده عربستان، تنها از جهت نبود قانون برای حقوق شهروندان و در تنگنا گذاشتن حقوق زنان نیست، بلکه ۲ عامل دیگر نیز در این میان خودنمایی می کنند. نخست وضعیت اقلیت ها به ویژه شیعیان در این کشور و اعتراض های نرم و خشونت بار آنها به نظم حقوقی و سیاسی حاکم و دوم وضعیت شهروندان دیگر کشورهای درگیر در جنگ در خاورمیانه به ویژه یمن، عراق و سوریه بدون پیوند با برنامه های عربستان در فراسوی مرزهاست (<https://www.tasnimnews>). یمن بیش از سه سال با نقض جدی بسیاری از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه از طرف عربستان سعودی و متحدان آن مواجه است. در واقع این حکومت بسیاری از اصول و مقررات حقوق بین الملل بشردوستانه از جمله محدودیت در انتخاب هر گونه شیوه و ابزارهای جنگی، ممنوعیت حمله به جمعیت غیرنظامی و مناطق مسکونی را نقض کرده است. در حالی که شورای امنیت سازمان ملل در برابر نقض آشکار حقوق بشردوستانه سکوت کرده است. همچنین دولت سعودی در ۲۰۱۸ میلادی به محاکمه های ناعادلانه، شکنجه، بازداشت های قهری، ارباب و سرکوب آزادی ها در داخل محکوم شد. یکی از فجیع ترین و پلیدترین اقدامات این رژیم، جنایت رسمی قتل جمال خاشقجی روزنامه نگار منتقد رژیم سعودی در کنسولگری عربستان در استانبول و صدور دستور آن از بالاترین سطوح تصمیم گیری عربستان بود. پس از این بود که خبر شکنجه و تعرض به لجین و خواهرانش از زنان مدافع حقوق بشر عربستانی منتشر شد. بنابراین می توان گفت این اقدام های عربستان زمینه های تخریب وجهه اسلام در جهان و اعمال فشار بر آن را فراهم کرده است.

نتیجه گیری

حقوق بشر و حقوق شهروندی هدایای الهی و جز حقوق ذاتی و طبیعی انسان هاست و کسی نمی تواند این امتیازات یا بخشی از آنها را اعطا و یا حذف نماید. حقوق بشر حقوقی است که انسان به صرف انسان بودن و نه به دلیل موقعیت خاص یا ویژگی خاص دارا می باشد. به عبارتی این حقوق حق مسلم تمامی افراد فارغ از نژاد، رنگ، جنس، زبان و مذهب است. پس به سبب ارزشهای مساوی و یکسان و کرامت ذاتی انسان می توان حقوق بشر را جهان شمول دانست. دو کشور ایران و عربستان با بسط جهانشمولی حقوق بشر با محدودیت های حاکمیتی در داخل و خارج روبرو شده اند. هر دوی آنها در میان کشورهای اسلامی در حوزه حقوق بشر در تئوری و اجرا نسبت به هنجارهای موجود دارای اشتراکات زیادی مانند رد جهانشمولی حقوق بشر، تاکید بر تضاد ارزشی میان فرهنگ شرق و غرب و همچنین عدم تایید هنجارهای غربی توسط آموزه های اسلامی تاکید دارند. ولی افتراق اساسی آنها در مورد حقوق بشر اینگونه است که موضوع حقوق بشر در عربستان از یک منطق بومی برخوردار نبوده و کاملاً واکنشی و همراه با نیازها و حساسیت های جامعه جهانی بوده است. اما حقوق بشر در ایران از منطق بومی و صبغه تاریخی برخوردار بوده و فرآیند اصلاحات داخلی در ایران نسبت به کانون های تعارض حقوق بشر بطنی، آرام و تابع اقتضانات داخلی است. در زمینه اجرای موازین دموکراسی و حقوق بشر مانند ایجاد معاونت حقوق بشر، طرح عدالت جنسیتی، داشتن نظام قضایی مدون در برخورد با اقلیت ها و برابری، برتری آشکار و کارنامه قابل دفاع و مقبول تری نسبت به عربستان دارد. با بررسی شرایط داخلی عربستان، روزنه های زیادی برای ایجاد تحولات اساسی در این کشور به چشم می خورد. مقامات عربستان در راستای نظارت های شورای حقوق بشر، جهت همکاری با نهاد های بین المللی با پیوستن به شورای حقوق بشر و عضویت در آن توانسته اند از اجماع جهانی علیه خود تا حدودی جلوگیری نمایند. طرح همکاری با نهاد های بین المللی مانند طرح گفتگوی ملی با اقلیت ها، پیوستن به کنوانسیون حقوق بشر، تاسیس سازمان مستقل حقوق بشری، تدوین قانون اساسی، پیوستن به کنوانسیون تبعیض علیه زنان، عربستان را وارد مرحله جدیدی از انجام تعهدات خویش کرده است.

منابع

۱. ابولحسنی شیرازی، حبیب‌الله و طالبی، عباسعلی (۱۳۹۹). «سیاست حقوق بشری اتحادیه اروپا و تاثیر آن بر مناسبات اقتصادی با ایران و عربستان»، فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۴۷.
۲. احمدیان، حسن (۱۳۹۱). «دین و دولت در عربستان سعودی: از دولت وهابی تا وهابیت دولتی، کتاب خاورمیانه ۹ ویژه مسائل داخلی عربستان، موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
۳. اسدی، علی اکبر (۱۳۹۱). اصلاحات و قدرت سیاسی در عربستان، کتاب خاورمیانه ۹ ویژه مسائل داخلی عربستان، موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
۴. اشراقی، داریوش (۱۳۹۲). «تفسیر جدید از صلح و امنیت بین المللی و تاثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۲.
۵. آغازگفت و گوی حقوق بشری ایران و اتحادیه اروپا (شانزدهم مرداد ۱۳۹۵)، فرهیختگان، ص ۴.
۶. آل احمد، حنان (۲۰۱۵). چالشهای پیشروی رهبران زن در عربستان سعودی، مجله توسعه بین المللی حقوق بشر، دور چهاردهم، شماره ۲.
۷. برزگمهری، مجید، کیارستمی، مهسا (۱۳۹۶). «نقض حقوق بشر به واسطه اقدامات تروریستی و سازوکارهای مبارزه با آن»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ششم، شماره اول.
۸. پایان اصلاحات کم رمق در عربستان (بیست و چهارم دی ماه، ۱۳۹۶)، اطلاعات، ص ۲.
۹. ترابی، یوسف و مجیدی، یوسفعلی (۱۳۹۳). «مدیریت شکاف های قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۱.
۱۰. جاوید، محمد جواد و مکرمی قرطاول، یاسر (۱۳۹۰). «نقش کشورهای اسلامی در تدوین و تصویب اسناد جهانی حقوق بشر»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال اول، شماره اول.
۱۱. جکسون، رابرت، گئورگ، سورنسون (۱۳۸۵). درآمدی بر روابط بین الملل، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد نقی زاده و حسن سعیدکلاهی، تهران: نشر میزان.
۱۲. حق شناس، سعیدجعفر (۱۳۸۰). مجموعه مقالات دفاع از حقوق زنان، ما و نظام بین الملل، سیاست های جهانی در مسائل زنان، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، موسسه طه.

۱۳. خمینی، روح الله (۱۳۸۵). صحیفه امام، جلد ۶ و ۱۱، تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام.
۱۴. شکوه، حسن (۱۳۹۱). درآمدی بر تحولات اقتصادی سیاسی در عربستان سعودی، خاورمیانه ۹، ویژه مسائل داخلی عربستان، تهران: موسسه فرهنگی مطالعاتی و تحقیقاتی ابرار معاصر.
۱۵. عالی پور، حسن و یگرنگی، محمد (۱۳۹۶). «نظام حقوقی و حقوق بشر در عربستان»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره اول.
۱۶. عبادی، شیرین (۱۳۷۳). تاریخچه حقوق بشر در ایران، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۱۷. عدالت جنسیتی در برنامه های توسعه ای (ششم شهریور ۱۳۹۵)، فرهیختگان، ص ۳.
۱۸. فاگان، اندره (۲۰۱۵). مفهوم حقوق بشر، ترجمه، امیر غلامی، درج شده در سکولاریسم برای ایران.
۱۹. فضائلی، مصطفی و احسن نژاد، مسعود (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی برخی مفاد گزارش گزارشگران ویژه شورای حقوق بشر در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران با نظام حقوقی ایران»، فصلنامه مطالعات تطبیقی، دوره ۱، شماره ۲.
۲۰. فلسفی، هدایت الله (۱۳۷۹). چگونگی تغییر و تحول و تحفص در تعهدات کشورهای در قبال معاهدات بین المللی، تهران: مجله فرهنگی نشر نو.
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵). «اهمیت حقوق اساسی در نظم حقوقی»، مجله کانون وکلا، دوره جدید، شماره ۱۰.
۲۲. کار، مهرانگیز (۱۳۷۸). رفع تبعیض از زنان، مقایسه کنوانسیون رفع تبعیض از زنان با قوانین داخلی ایران، سارنگ.
۲۳. کپیسزوسکی، اندرزج (۱۳۸۹). عربستان سعودی: به سوی دموکراسی یا ظهور شکل تازه ای از اقتدارگرایی، ترجمه، حمید نیکوف به نقل از: شورای همکاری خلیج فارس: سیاست خارجی و روندهای داخلی، تدوین و گردآوری محمود واعظی و علی اکبر اسدی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۴. گزارش راهبرد، سیاست ها، برنامه ها و دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۱: ۳۳۳).

۲۵. لاریجانی، محمدجواد (۱۳۸۹). دفاع از تروریسم در لوای حقوق بشر، هفته نامه خبری-تحلیلی پنجره، سال دوم، شماره ۷۴.
۲۶. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۱)، تحول در نظریه روابط بین الملل، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
۲۷. مصفا، نسرين و نبی الله ابراهیمی (۱۳۸۷). «جایگاه حقوق بشر در نظریه های بین الملل»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸. شماره ۴.
۲۸. مهرپور، حسین (۱۳۷۸). نظام بین الملل حقوق بشر، چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات
۲۹. میرترابی، سعید (۱۳۷۹). رژیم شاه و سازمان های حقوق بشر، چاپ اول، تهران: موسسه انتشارات وزارت امور خارجه.
۳۰. نصیری حامد، رضا و مکارم، سوده (۱۳۹۳). «تاملی نظری بر ضمانت اجرای حقوق بشر در اسلام»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، شماره چهارم.
31. Adler, Manual (1997), Seizing the middle Ground; constructivism in world politics, European Journal of international relations, Vol. 6, 319.
32. Alhargan, m k, (2015), Saudi Arabia: Civil right and local actors, published Saudi a.m. June 2018. www researcher gate net.
33. AL-Rasheed, Modawi (2011), Contesting the Saudi State: Islamic voices from a new Generation, Cambridge University press.
34. Alwasil ,Abdul-Aziz, (2015), Saudi Arabia's engagement in, and interaction with, the UN human rights.
35. Deleanty, Gerard (2000), A Constructivism in international Relation, European Journal of international relations, Vol.,6, p144.
36. Donnelly, j, (2004). state sovereignty and human rights. Human rights and human welfare, working paper no 21(23 June).
37. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/06/04/2083046>.
38. Jackson, R.H (1990), Quasi-state: severity, international relation, and the third world. Cambridge, England. New York: Cambridge university press.

39. Nurzuzaman, Mohamad (2019), foreign policy of Saudi Arabia, linked to the article :<http://www.Oxfordbiographics.com/abstract/document/obe-978011998743292/0>.

40. Reuters. (2014), Saudi Arabia approves \$21 bin five-year Education Plan-SPA Available online: <http://www.Reuters.com>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی